

هیرمند، هامون و قرار دادهای استعماری

هرات و قندهار (که بعداً نام افغانستان به خود گرفت) مشخص شد.

فصل ششم و هفتم عهدنامه پاریس، مهمترین قسمت آن است. این دو فصل در مقاله‌ای با عنوان «حقوق فراموش شده ایران در افغانستان» در صفحات ۱۰ تا ۱۲ شماره ۹۲ همین ماهنامه چاپ شده است.

پنج سال پس از امضای معاهده پاریس، برای نخستین بار منطقه سیستان موضوع اختلاف بین دو کشور شد. به دنبال تصرف بخش عمده افغانستان توسط سپاهیان دوست محمدخان امیرکابل، وی فرستادگانی به سیستان فرستاد و از امرای محلی آن منطقه درخواست مالیات کرد.

وزارت امور خارجه ایران به محض اطلاع از این موضوع با ارسال نامه‌ای به مقامات دولت بریتانیا، به شدت به اقدام دوست محمدخان اعتراض کرد. در بخشی از این نامه آمده است: «اولیای دولت ایران آن حرکت امیردوست محمدخان را جز تجاوز به داخله مملکت ایران به معنای دیگر حمل نخواهد کرد، و هم چنانکه از یک طرف مطالبه ترضیه شایسته می‌شود، از طرف دیگر نواب شاهزاده والاتباع حسام‌السلطنه حتماً مجبور خواهند بود که بعد از یاس از دادن ترضیه به زور لشکری، حق دولت متبوعه خود را مجری و مضی بدارد.»

در همان زمان، دوست محمدخان امیر کابل مرد و به دنبال مرگ او موقتاً بحران میان دو کشور فروکش کرد. ولی مدتی بعد با گسترش قلمرو دولت افغانستان به سمت نواحی شرقی رود هیرمند، بار دیگر وضعیت حاکمیت دو کشور در سیستان، سبب بروز بحرانی جدید شد.

رای گلدسمیت

به دنبال اوج گرفتن اختلافات، دولتین ایران و افغانستان با مراجعه به دولت بریتانیا خواستار حل اختلاف بین خود شدند. در پاسخ به این

اخیراً جریان آب هیرمند به سیستان یک هفته قطع شد. گرچه این خبر در رسانه‌ها و محافل انعکاسی نیافت، اما در منطقه سیستان که پیش‌تر نیز تجربه تلخ قطع آب هیرمند را از سرگذرانده نگرانی‌هایی را موجب شد.

مشخص نیست نیروهای طالبان عمداً آب هیرمند را قطع کرده بودند، یا عوامل دیگری باعث قطع آب شده است. اما هرچه هست، ما با این واقعیت روبرویم که امکان دارد طالبان بدون در نظر گرفتن تمامی موازین بین‌المللی و عرفی بخواهد از آب هیرمند به عنوان یک اهرم فشار به کشور ما سوء استفاده کند.

مطلبی که در پی آمده پیشینه پرونده روابط ایران و افغانستان بر سر تقسیم آب هیرمند، و حقوق شناخته شده کشورمان را از این منبع، در بردارد.

نوشته مسعود کوهستانی نژاد

رودخانه هیرمند از کوهپایه‌های جنوبی سلسله جبال هندوکش سرچشمه می‌گیرد و پس از طی مسافتی طولانی وارد ایران شده و با تشکیل دلتایی، دریاچه هامون را مشروب ساخته و سپس از قلمرو کنونی ایران خارج می‌شود و مجدداً به افغانستان کنونی باز می‌گردد. مسیر رودخانه هیرمند در طی قرون متعددی به دلایل مختلف از جمله کم و زیاد شدن آب، در منطقه سیستان تغییر مسیر داده و از طریق مجاری گوناگون به منطقه مذکور می‌رسیده و سپس از آن خارج می‌شده است.

سالیان قبل یکی از محققین جغرافیای ایران از منطقه سیستان و رودخانه هیرمند این چنین یاد می‌کند:

«کمتر نقطه‌ای از مناطق روی زمین مانند سیستان تا این اندازه برای کاشفان سرزمین‌های مشرق زمین تولید معما کرده است. این سرزمین عجایب، مانند مصر آبش از باران‌های محلی تامین نمی‌شود، بلکه از باران و برف کوهستان‌های بسیار دوردست فراهم می‌گردد. دریاچه پست هامون که

قسمتی از این سرزمین مسطح را اشغال کرده، دائماً حدود خود را تغییر می‌دهد و این تغییر در نتیجه تراکم آب‌های زیادی روخانه هیرمند حاصل می‌شود که [این رود] در تمام دوره تاریخ سیستان، باعث به وجود آمدن و از بین رفتن آبادی‌ها و مساکن انسانی شده و تازه واردین همیشه نسبت به متقدمان درجای دیگر این سرزمین فرود می‌آمدند.»^(۱)

تعیین وضعیت رود هیرمند در سیستان، یکی از مهمترین سرفصل‌های رابطه ایران و افغانستان در نیمه دوم قرن نوزدهم تا اواسط قرن بیستم بود. در چهارم مارس ۱۸۵۷ میلادی برابر با چهارم صفر ۱۲۷۴ هجری قمری، بالاخره پس از متجاوز از نیم قرن کشمکش سیاسی و نظامی میان ایران و بریتانیا بر سر حق حاکمیت ایران بر هرات و نواحی غربی شهرهای کابل و قندهار، و پس از شکست خوردن نیروهای ایرانی از قوای انگلیس در خلیج فارس، بوشهر و محمره (خرمشهر)، در شهر پاریس معاهده‌ای در ۱۵ ماده به امضاء امین‌الملک نماینده دولت ایران و کولی نماینده دولت بریتانیا رسید که در ضمن آن، برای همیشه تکلیف قطعی رابطه ایران با امارات کابل،



نظریه و اطمینان دوام دوستی و برادری که خوشنما نه بین دولت شاهنشاهی ایران و دولت پادشاهی افغانستان موجود میباشد
در مبحث که قرارداد و ارجح تقسیم آب بر سرند با مضای نمایندگان نخست طرفین میرسد برای اینکه هیچگونه نگرانی و سوختنی بین
ساکین بیستان چنانسه و با تقسیم کلونتهای دو طرف باقی نماند و ساکین طرفین مرتزبه باشند با نهایت بزرگی و اعتماد
متقابل بدوستی و همکاری همگرا اطمینان نمایند اعلامیه مشترک زبل را امضاء و طبق قرارداد تقسیم آب بر سرند و ضمناً زمینهای
اولاً - دولت شاهنشاهی ایران اعلام میدارد که بجز زمینهای کشاورزی از این قرارداد و از رعایت آبیاری بیستان است که زمین این منطقه
در ضمیمه و زمست نباشند و بجز مقصودی در دست آوردن و سیله و بهانه برای مداخله در داخل افغانستان ندارد و پیوسته
ترقی تعالی افغانستان را آرزویند است .

ثانیاً - دولت پادشاهی افغانستان اعلام میدارد که بجز مقصودی در تقویت و فشار و زیرسیدان آب بیستان ندارد و اولین
مشاوره اقداماتی را که موجب بحث آب سی ایران در بند کالمان در قرار کرده و ماده اول قرارداد توضیح یافته و از این با وضوح رسیده
بزرگت آبیاری بیستان شود و اجازه نخواهد داد .

کابل پنج ششم شهری ۱۳۱۷

وزیر امور خارجه دولت پادشاهی افغانستان

محمد مسعود

میرزا محمد علی شاهنشاهی ایران

محمد علی



درخواست، دولت بریتانیا سر تیب ف. ج. گلدسمیت را به عنوان نماینده خود معرفی کرد. گلدسمیت در سال ۱۸۷۱ میلادی وارد سیستان شد و در مارس ۱۸۷۳ آن منطقه را ترک کرد. به موجب رای حکمیت گلدسمیت «ایران مجبور شد قسمت ارزنده‌ای از قلمرو خود در مصب رود هیرمند را به افغانستان واگذار کند.» در بخشی از رای حکمیت گلدسمیت آمده است: «به علاوه باید دانست که به هیچ وجه نبایستی عملیاتی در هیچ یک از طرفین بشود که لطمه به مقدار آبی که برای مشروب ساختن سواحل رودخانه هلمند لازم است، وارد آید.»

بعدها گلدسمیت جمله فوق را چنین تفسیر کرد: «جمله مزبور را نمی توان طوری تصور کرد که شامل مجاری فعلی یا این قبیل مجاری قدیمی و غیر مستعمل شود که دولت افغان مایل است در تحت تعمیر صحیح قرار دهد و نیز جمله مزبور متعرض حفر حفاری جدیدی نخواهد شد، مشروط بر این که مقدار آب لازم جهت مشروب ساختن قسمت ایران کسر نشود.»

رای حکمیت گلدسمیت در خصوص وضعیت مرز ایران و افغانستان در منطقه سیستان، تا حدود شروع قرن بیستم نافذ بود. تا این که در آخرین سالهای قرن نوزدهم رودخانه هیرمند شروع به تغییر مسیر داده و کمی به سمت غرب، در بستر جدیدی در رود بریان، برای خود مسیر ایجاد کرد. علاوه بر آن، در اوایل سال ۱۹۰۲ عده‌ای از افغانه به سیستان حمله کردند و در بازگشت به افغانستان سدهایی را که از سوی ایرانیان بر روی هیرمند بسته شده بود، را منهدم ساختند. این اقدام سبب ایجاد کمبود شدید آب در سیستان شد.

دولت ایران به موجب مفاد عهدنامه پاریس رسماً از دولت بریتانیا خواهان میانجی‌گری شد. در پاسخ به این درخواست (که از سوی دولت افغانستان نیز تکرار شده بود) دولت بریتانیا از طریق حکومت انگلیسی هند اقدام به اعزام یک هیات به ریاست سرهنگ مک ماهون کرد. تعداد افراد این هیات که در ابتدا قرار بود از «یک نفر مهندس، یک نفر صاحب منصب و یک نفر مهندس سقابه» تشکیل شود، به دلیل اهداف خاص بریتانیا در جهت ایجاد زمینه لازم برای مداخله بریتانیا در سیستان، به مقدار

زیادی افزایش یافت. هیات سرهنگ مک ماهون در اوایل ژانویه ۱۹۰۳ میلادی وارد سیستان شد و پس از دو سال و نیم اقامت، در اواخر ژوئن ۱۹۰۵ به شهر کویت (بلوچستان انگلیس) بازگشت. در نتیجه تحقیقات هیات مک ماهون مشخص شد: «تمام آب‌های منطقه گسترده‌ای به وسعت ۱۲۵ هزار مایل مربع از طریق رودخانه‌های هیرمند، خاش، فراه و هاروت به حوزه حدود هفت هزار مایل مربعی سیستان می‌ریزد که از تمام اطراف با یک رشته کوههای بلند پوشیده شده است. رودخانه اصلی این منطقه هیرمند است که تنها رودخانه بزرگ در آسیای جنوبی بین ایندوس و دجله است. رود هیرمند از کوههای پربرف هزارجات و دامنه‌های جنوبی سلسله کوههای هندوکش سرچشمه می‌گیرد و پس از طی حدود ۶۰۰ مایل با حجم حداقل عادی دو هزار پای مکعب در ثانیه به سیستان می‌ریزد. حجم آب این رودخانه در فصول سیلاب به ۵۰ تا ۸۰ هزار پای مکعب در ثانیه می‌رسد.»

بخش اعظم تراخون - رامرود و منطقه سنارود را با تعیین مرز جدیدی از سیستان جدا کرد.»

تکلیف رای مک ماهون تا سال‌ها پس از آن، به دلیل بروز بحران‌های شدید سیاسی در ایران و افغانستان مشخص نشد. تا این که با پایان یافتن جنگ جهانی اول و فروکش کردن بحران‌های سیاسی، برای نخستین بار در اوایل سال ۱۳۰۰ شمسی مذاکرات سیاسی رسمی بین دولتین ایران و افغانستان آغاز شد. این مذاکرات در اول تیرماه ۱۳۰۰ به نتیجه رسیده و نخستین عهدنامه بین دو کشور با عنوان «عهدنامه مودت بین دولتین ایران و افغانستان» امضاء شد. در این عهدنامه اصول کلی همکاری‌های دو کشور از جمله وضعیت سفرای دو کشور در قلمرو یکدیگر و وضعیت تبعیت اتباع ایرانی و افغانی مقیم در قلمرو کشور دیگر، ذکر می‌شود. هدف اصلی از امضای این عهدنامه به رسمیت شناختن هر یک از دو دولت برحسب قوانین بین‌المللی بود.

شش سال بعد عهدنامه دیگری تحت عنوان «عهدنامه ودادیه و تامینیه» بین دو کشور امضاء شد. این عهدنامه را از سوی دولت ایران سیدمهدی خان فرخ وزیر مختار ایران در کابل و از سوی افغانستان سردار غلام صدیق خان کفیل وزارت خارجه آن کشور، امضاء کردند. در فصل ششم این عهدنامه درخصوص حل اختلافات دو کشور، آمده است: «طرفین متعهدین توافق نمودند در صورت ظهور اختلاف مابین طرفین متعهدین، هرگاه از مجاری سیاسی قضیه حل نشود، هر یک از طرفین یکی از رجال مهم مملکت خود را به طور تفویض انتخاب می‌نمایند. در صورت عدم موافقت رای مابین آن‌ها، دو حکم مزبور متفقاً یکی از رجال مهم مملکت بی‌طرف ثالثی را انتخاب خواهند نمود و رای آن حکم ثالث درباب مابۀ اختلاف قطعی‌الاجرا خواهد بود.» تا این که در ششم بهمن ماه ۱۳۱۷ نخستین قرارداد رسمی بین دولتین ایران و افغانستان در خصوص نحوه تقسیم آب هیرمند، در کابل امضاء شد. براساس ماده اول این قرارداد که ناظر بر مهمترین موضوع قرارداد یعنی میزان آب هر یک از دو طرف است، «دولتین ایران و افغانستان موافقت کردند که همه ساله هر مقدار آب رودخانه هیرمند که به بند

به موجب قرارداد ۱۳۱۷ نیمی از آب هیرمند از منطقه بند کمال خان به این سو متعلق به ایران بوده است.

کمال خان [اولین نقطه مرزی] می‌رسد، بین ایران و افغانستان از بند کمال خان به بعد بالمناصفه، تقسیم شود.»

معنای دیگر این توافق این است که آب هیرمند به طور نصف، نصف بین دو کشور تقسیم می‌شود. و $\frac{1}{4}$ آب هیرمند سهم ایران و $\frac{1}{4}$ باقیمانده سهم افغانستان است. در ارتباط با این نحوه تقسیم «دولتین متعهد می‌شوند که هیچ‌گونه اقدامات و عملیات از بند کمال خان تا به ده دوست محمدخان و سیخ سر، که مقسم آخرین است، نخواهند کرد که موجب نقصان یا نکث میزان سهم هر یک از طرفین بشود.» علاوه بر آن «برای آن که از چهار برجک الی بند کمال خان نراند بر مقدار آبی که فعلاً برده می‌شود، مصرف نگردد، دولت افغانستان تعهد می‌کند که در فاصله مزبور علاوه بر انباری که جاری بوده و هست نهر دیگری احداث و حتی تعمیر نمایند.»

در اعلامیه مشترکی که دو دولت ایران و افغانستان متعاقب امضای قرارداد تقسیم آب هیرمند صادر کردند، آمده است:

«اولاً: دولت شاهنشاهی ایران اعلام می‌دارد که یگانه منظور آن از این قرارداد، زراعت و آبیاری سیستان است که زارعین از این جهت در مضیقه و زحمت نباشند و هیچ مقصودی در به دست آوردن وسیله و بهانه برای مداخله در داخله افغانستان ندارد و پیوسته ترقی و تعالی افغانستان را آرزومند است.

ثانیاً: دولت پادشاهی افغانستان اعلام

می‌دارد که به هیچ‌وجه مقصودی در تضییق و فشار و نرسیدن آب به سیستان ندارد و به این منظور اقداماتی را که موجب نکث آب سهمی ایران در بند کمال خان (قراری که در ماده اول قرارداد توضیح یافته) و از این راه ضرر رساندن به زراعت و آبیاری سیستان شود، اجازه نخواهد داد.»

لازم به یادآوری است قرارداد فوق در تاریخ هجدهم اردیبهشت ۱۳۱۸ به تصویب مجلس شورای ملی ایران رسیده و به صورت قانون درآمد.

هشت سال پس از امضای عهدنامه فوق، در سال ۱۳۲۵ برسر موضوع تقسیم آب هیرمند، دولتین ایران و افغانستان شدیداً دچار اختلاف شدند. این اختلاف به شورای امنیت سازمان ملل متحد ارجاع شد. طی چهار سال بعد تا سال ۱۳۳۰، هیات میانجی‌گری سازمان ملل متحد، برای برطرف ساختن اختلاف فوق فعالیت کرد. تا این که در نهایت در اوایل سال ۱۳۳۰ طرفین به یک توافق ضمنی براساس معاهده سال ۱۳۱۷ در تقسیم آب هیرمند دست یافتند.

صرفنظر از مورد فوق، در فاصله سالهای ۱۳۱۷ تا ۱۳۵۱ دو طرف با امضاء برخی اسناد و موافقت‌نامه‌های پایه‌ای (از جمله، ترانزیت، گمرکی و مخازرات) سعی در فراهم کردن زمینه‌های لازم برای گسترش همکاری‌ها کردند. تا این که سال ۱۳۵۱ فرا رسید و مذاکرات دو طرف برای امضاء معاهده جدید تقسیم آب هیرمند آغاز شد. بیان علل و عوامل شروع دور جدید مذاکرات، علی‌رغم اهمیت در حوصله این مقاله نگنجیده و نیاز به فرصت مناسب دیگری دارد. در این جا به خاطر رعایت اختصار، بحث خود را در ارتباط با مفاد معاهده مزبور متمرکز می‌کنیم.

معاهده آب رود هیرمند در تاریخ ۲۲ اسفند ۱۳۵۱ برابر سیزدهم مارس ۱۹۷۳ در کابل به امضاء رسید. از سوی ایران، امیرعباس هویدا نخست وزیر وقت و از سوی افغانستان محمد موسی شفیق صدراعظم وقت افغانستان این موافقت‌نامه را امضاء کردند. در ماده دوم این معاهده در ارتباط با مهمترین موضوع، یعنی میزان سهم آب هر یک از طرفین، آمده است: «مجموع مقدار آبی که از رود هیرمند در

سال نرمال آب و یا سال مافوق نرمال آب از طرف افغانستان به ایران تحویل داده می‌شود، منحصر است به متوسط جریان ۲۲ مترمکعب در ثانیه طبق جدول و یک مقدار اضافی جریان ۴ مترمکعب در ثانیه که به سابقه و حسن نیت و علائق برادرانه از طرف افغانستان به ایران تحویل داده می‌شود.»

در بند الف ماده سوم نیز در توضیح بیشتر مندرجات فوق، می‌خوانیم: «در ظرف ماه‌های سال نرمال آب یا سال مافوق نرمال آب مقادیر معینه آب از رود هیرمند که در ماده دوم این معاهده تشریح و تعیین گردیده، از طرف افغانستان به ایران تحویل داده می‌شود.»

بی‌مناسبت نیست مروری نیز بر جدولی که در ماده‌های دوم و سوم معاهده مورد بحث در رابطه با تعیین سهم آب ایران به آن اشاره می‌شود، داشته باشیم (این جدول در متن همین مقاله چاپ شده است).

برای آشنایی بیشتر با میزان آبی که براساس این معاهده قرار بود به ایران تحویل داده شود، در ابتدا لازم است مروری بر بند ج ماده اول معاهده مذکور به شرح زیر کنیم:

«یک سال نرمال آب عبارت از سالی است که در آن مجموع جریان آب [...] هیرمند [...] ۵۶۶۱/۷ میلیون مترمکعب اندازه‌گیری و محاسبه شده است.»

به بیان دیگر اگر حق آبه ایران از رود هیرمند را در ثانیه ۲۶ مترمکعب در نظر بگیریم مجموع آبی، که در یک سال طبیعی به ایران تحویل داده می‌شود، به شرح زیر است:

$$\text{حدود } ۸۲۰ \text{ میلیون} = ۲۶ \times ۶۰ \times ۶۰ \times ۲۴ \times ۳۶۵$$

روز ساعت دقیقه ثانیه
مترمکعب

ماه	جریان آب به متر مکعب در ثانیه براساس ۲۲ مترمکعب	جریان آب به متر مکعب در ثانیه براساس مجموع ستون‌های دوم و سوم این جدول ۲۶ مترمکعب در ثانیه
اکتبر	۴/۲۳	۵/۰۰
نوامبر	۱۰/۷۵	۱۲/۷۲
دسامبر	۱۹/۳۸	۲۳/۰۴
ژانویه	۲۹/۳۵	۳۴/۶۷
فوریه	۶۶/۱۲	۷۸/۱۶
مارس	۶۱/۹۰	۷۳/۱۳
آوریل	۲۶/۳۰	۳۱/۱۱
مه	۷/۶۲	۹/۰۳
ژوئن	۱۶/۷۱	۱۹/۷۳
ژوئیه	۱۱/۶۱	۱۳/۷۲
اوت	۷/۹۲	۹/۳۷
سپتامبر	۱/۹۸	۲/۳۲

همانگونه که در بند «ج» ماده اول معاهده مورد بحث مندرج است، طرفین حجم آب هیرمند در یک سال را برابر ۵۶۶۱ میلیون مترمکعب اندازه‌گیری کرده‌اند. حال اگر میزان آب تحویل داده شده به ایران را به کل آب هیرمند تقسیم کنیم، حدوداً نسبت ۱ به ۷ به دست می‌آید. به تعبیر دیگر درحالی که میزان حق آبه ایران از رودخانه هیرمند براساس معاهده بهمن ۱۳۱۷ یک دوم آب هیرمند بود، براساس معاهده اسفند ۱۳۵۱، ۳/۵ برابر کمتر

شد.

نکته جالب توجه در معاهده اسفند ۱۳۵۱ این است که علی‌رغم این که طرفین در ماده دوم و سوم (فوق‌الاشاره) بر تحویل میزان ۲۲+۴ مترمکعب آب به ایران تاکید کرده‌اند، لیکن براساس مفاد ماده چهار و همان معاهده «درسال‌هایی که در اثر حوادث اقلیمی مقدار جریان آب از سال نرمال آب کمتر باشد و ارقام اندازه‌گیری دستگاه آب‌شناسی دهرآود، جریان مربوط به ماه‌های قبل ماه مورد بحث را نسبت

ADVERTAZING Co.

پارس گل

مشاوره، برنامه‌ریزی و بودجه‌بندی
تبلیغات سالانه موسسه‌ها و شرکتها

آگهی‌های تبلیغاتی
کانالوک و تروسور
سررسید و سایر سفارشات تبلیغی

بیامهای تبلیغی شما در پارس گل جلوه‌ای دیگر دارند

ارائه CD از طرحها و منابع اسکن شده شما

تلفن: ۸۸۴۲۲۳۰ (خط ۳) - فاکس: ۸۸۳۲۳۶۱ - صندوق پستی: ۵۶۶۷-۱۴۱۵۵

به ماههای مشابه سال نرمال آب مقدار کمتری نشان دهد، ارقام مندرج در ستون ۴ جدول ضمیمه همین مطلب به تناسبی که جریان واقعی ماههای ماقبل همان سال آب (در این صورت جریان ماه مارس ماقبل الی ماه مورد بحث) با ماههای مشابه یک سال نرمال آب دارد، برای ماههای آینده همان سال آب تعدیل می‌یابد و مقادیر تعدیل شده در مواضع مندرج در ماده سوم به ایران تحویل داده می‌شود.»

وجود قید «نسبت به ماههای مشابه سال نرمال آب» در ماده چهارم فوق‌الذکر بیانگر این نکته است که برخلاف ظاهر معاهده، اساس معاهده برپایه تقسیم آب به نسبت ۱/۷ سهم ایران و ۶/۷ سهم افغانستان استوار است.

پیامدهای قرارداد ۱۳۵۱

معاهده تقسیم آب هیرمند (اسفند ۱۳۵۱) همراه با دوپروتکل است. پروتکل شماره یک «درباره صلاحیت و وظایف کمیساران» و پروتکل شماره دو «درباره حکمیت» است. هر دو این پروتکل‌ها نیز در همان تاریخ ۲۲ اسفند ۱۳۵۱ به امضاء رسیدند. لازم به یادآوری است معاهده مورد بحث و پروتکل‌های ضمیمه آن در دهم مرداد ۱۳۵۲ به تصویب نهایی مجالس قانونگذاری ایران رسیده و شکل قانونی یافت.

همانگونه که در سطور قبلی بیان شد، متأسفانه حجم این مقاله، مانع از بیان پیامدهای تصویب معاهده فوق می‌شود. در این رابطه مناسب است در فرصتی دیگر، بررسی جامعی پیرامون شرایط داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی ایران در سال‌های ۱۳۵۱ و ۱۳۵۲ انجام شود و واکنش محافل سیاسی و اقتصادی ایران در قبال امضاء و تصویب معاهده فوق را مورد بررسی قرار دهیم.

به دنبال امضاء و تصویب قانون فوق، دولتین ایران و افغانستان تلاش کردند سازمان مناسبی را جهت تقسیم حق آبه مورد توافق بر رودخانه هیرمند به وجود آورند. در این رابطه در بند اول پروتکل نهایی نخستین اجلاس کمیسیون مشترک همکاری‌های اقتصادی و بازرگانی دو کشور که در سوم مرداد ۱۳۵۲

درکابل به امضاء فریدون مهدوی (وزیر وقت بازرگانی ایران) و علی احمد خرم (وزیر وقت پلان و تجارت افغانستان) رسید، آمده است:

«احداث بندهای ذخیره به منظور ذخیره آب‌های سیلابی جهت توسعه کشاورزی و دامپروری (مالداری) و ایجاد صنایع وابسته به آن و تولید انرژی و جلوگیری از خسارات سیلابی در حوزه مشترک رودخانه هلمند مورد تأیید طرفین است. برای انجام مقاصد فوق هیات مشترک فنی دو کشور یا موسسه فنی بین‌المللی تعیین خواهد شد تا به منظور حداکثر استفاده از آب و خاک طرح جامع لازم را با برآوردهای مالی مربوطه هرچه زودتر تنظیم و ارائه نمایند.»

برای اجرای این پروژه (و همچنین دیگر پروژه‌های مندرج در پروتکل مذکور) در دوم مرداد ۱۳۵۳ (یعنی یک روز قبل از امضاء پروتکل فوق) طرف ایرانی ۱۰ میلیون دلار اعتبار در اختیار افغانستان قرار داد. در نامه‌ای که فریدون مهدوی وزیر وقت بازرگانی ایران در دوم مرداد ۱۳۵۳ خطاب به علی احمد خرم نوشت، آمده است: «به منظور انجام مطالعات توجیه اقتصادی طرح‌هایی که در پروتکل مذاکرات برای همکاری بین دو کشور مطرح گردیده است، طرف ایرانی مقدماً مبلغی تا حدود ۱۰ میلیون دلار در اختیار طرف افغانی قرار خواهد داد تا چنانچه لازم باشد برای مطالعه طرح‌هایی که در پروتکل مورد موافقت طرفین قرار گرفته است، استفاده به عمل آید. این مبلغ با توافق طرفین قابل افزایش تا مبلغ ۲۰ میلیون دلار خواهد بود.» مبلغ فوق در نهایت به ۷۰۰ میلیون دلار افزایش یافت.

در یادداشت تفاهم نهایی دومین اجلاس کمیسیون مشترک دو کشور که در مهرماه ۱۳۵۴ در تهران برگزار شد، تحت عنوان «حوزه هیرمند» آمده است: «به منظور اجرای طرح‌های مربوط به ماده یک پروتکل اولین اجلاس مشترک و نیز یادداشت تفاهم مورخ ۵۴/۲/۹ دو کشور، قرار شد طرف افغانی ظرف سه هفته از تاریخ امضای این پروتکل طرح‌های جامع مربوط به احداث سدهای ذخیره به منظور ذخیره آب‌های سیلابی جهت

توسعه کشاورزی و دامپروری و ایجاد صنایع وابسته به آن و تولید انرژی و جلوگیری از خسارات سیلابی در حوزه مشترک رود هیرمند را به طرف ایرانی تسلیم نماید تا مورد مطالعه طرف ایرانی قرار گرفته و در صورت تأیید طرفین، ترتیب اعطای وام‌های مربوط براساس شرایط یادداشت تفاهم فوق‌الذکر داده شود.»

به نظر می‌رسد پس از تصویب پروتکل فوق تلاش خاصی از سوی طرفین جهت اجرای توافق مربوط به حوزه هیرمند انجام نشد. زیرا حدود نه ماه بعد در خرداد ۱۳۵۵ و در جریان سومین اجلاس کمیسیون مشترک ایران و افغانستان، طرفین مجدداً (و با همان مضمون) به تفاهمات قبلی خود درخصوص رود هیرمند اشاره کردند. در نهایت عدم اجرای تفاهمات فوق، منجر به این شد که در پروتکل نهایی چهارمین اجلاس کمیسیون مشترک اقتصادی و بازرگانی دو کشور که از تاریخ ۷ تا ۱۱ خرداد ۱۳۵۶ در تهران برگزار شد، دیگر ذکری از پروژه‌های آبیاری رود هیرمند نشود.

با شروع انقلاب اسلامی در ایران و نیز به فاصله کوتاهی پس از آن، حمله نیروهای شوروی به افغانستان و شروع جنگ‌های بیست ساله داخلی آن کشور، دیگر امکان انجام مذاکرات رسمی درخصوص رود هیرمند فراهم نشد، بدین لحاظ هنوز وضعیت تقسیم آب هیرمند براساس آخرین توافقنامه دو کشور (اسفند ۱۳۵۱) قرار دارد.



در تالیف مقاله فوق از کتابهای گوناگون تاریخ معاصر ایران و روابط ایران با افغانستان استفاده شد. که از آن میان چهار اثر ذیل، مهمترین هستند:

- ۱- گابریل، آلفونس؛ تحقیقات جغرافیایی راجع به ایران، ترجمه فتحعلی خواجه نوری، تهران انتشارات ابن سینا، آذر ۱۳۴۸
- ۲- ————؛ اسناد معاهدات دوجانبه ایران با سایر دول، واحد نشر اسناد دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ج ۲، تهران، ۱۳۷۰
- ۳- ————؛ مجموعه توافقات‌های تشریفاتی ایران و سایر کشورها، اداره کل قوانین و مقررات ریاست جمهوری، ج اول، تهران، زمستان ۱۳۷۵
- ۴- رئیس طوسی، رضا؛ مقاله استراتژی سرزمین‌های سوخته، در مجموعه تاریخ معاصر ایران، موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، سال اول، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۶